

Abstract

From long years ago until now, the participatory political culture and its effect on the creation of political development were the main core of the intelligentsia of politics and sociology. The aim of this study is the examination of the barriers in front of the political development with emphasizing on participatory political culture. In order to gain this target, by designing a conceptual model that has driven from the intelligentsia ideas as Huntington, Jogorib about political culture as well as, sociologists such as pie, Almond and Paul and Verba and Inglehart in participatory political culture, then our hypotheses and also the latent variables relationships have formed based on them. Data collection were gathered from a sample size about 3^{vv} people of the colleges of Shiraz University students using of categorical sampling. In order to examine the validity and reliability of the questionnaire tool, we used the Alpha Cronbach coefficient and it used structural equation modeling with smart PLS version 3. The results show that participatory political culture and its influential components such as social trust, dialogue culture, individualism, equal political and social opportunities, can be the basis and strengthen political development. But subordinate and limited political culture are considered as a pervasive obstacle to political development.

Keywords: Participatory Political Culture, Political Development, The Students Of Shiraz University.

بررسی جامعه شناختی تاثیر فرهنگ سیاسی مشارکتی بر توسعه سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز)

صدیقه رزم جوئی^۱کرامت اله راسخ^۲علیرضا خدایمی^۳

چکیده:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۸

فرهنگ سیاسی مشارکتی و تاثیر آن بر تحقق توسعه سیاسی از دیر باز در شمار موضوعات مورد توجه علمای علم سیاست و جامعه شناسان بوده است، هدف این پژوهش بررسی جامعه شناختی تاثیر فرهنگ سیاسی مشارکتی بر توسعه سیاسی است، برای این منظور با تنظیم مدل مفهومی برگرفته از دیدگاه های هانتینگتون و جگورایب درباب توسعه سیاسی و نظریات پای، آلموند، پاول، وربا و اینگلههارت در باب فرهنگ سیاسی مشارکتی فرضیه های پژوهش تدوین و تنظیم شده است. داده های پژوهش از نمونه آماری ۳۷۷ نفر از میان دانشجویان دانشگاه شیراز با استفاده از روش نمونه گیری طبقه بندی، گرد آوری شده است، جهت پایایی از شاخص آلفای کرونباخ و برای تجزیه و تحلیل از روش معادلات ساختاری مبتنی بر وارپانس استفاده شده است. نتایج بررسی ها نشان می دهد، فرهنگ سیاسی مشارکتی و مؤلفه های تاثیر گذار بر آن مانند اعتماد اجتماعی، فرهنگ گفتگو، فردگرایی، فرصت های برابر سیاسی و اجتماعی، می تواند زمینه ساز و تقویت کننده توسعه سیاسی باشد. ولی فرهنگ سیاسی تبعی و محدود به عنوان مانعی فراگیر برای توسعه سیاسی محسوب می شوند.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی مشارکتی، توسعه، توسعه سیاسی، دانشجویان، شیراز

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی جامعه شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم نویسنده مسئول sedigherazmjoo60@yahoo.com

^۲ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم krasekh@gmail.com

^۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم alirezakhoddamy@yahoo.com

در ایران تلاش برای دست یابی به توسعه از قرن نوزدهم با جنبش مشروطه خواهی آغاز گردید، آن زمان کمتر از ۱۰ درصد مردم سواد داشتند، نظام سیاسی به صورت ملوک الطوائفی اداره می شد و اقتصاد عقب مانده ای بر کشور حکمفرما بود، نخبگان سیاسی و روشنفکران و به خصوص آحاد جامعه با مفاهیم کلیدی مربوط به تمامی ابعاد توسعه چه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، انسانی و سیاسی مانند اجماع گرایی، خشونت زدایی، امنیت اجتماعی و فردی، قانون گرایی، مشارکت در کار جمعی و ... از حداقل آشنایی لازم برخوردار بودند. بنابراین همه این شرایط زمینه ساز حرکت کند ایران در زمینه توسعه در تمامی ابعاد آن به ویژه توسعه سیاسی گردید. (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۱۲۵) طی یک صد سال اخیر به جز در مقاطع خاص تاریخی آن هم با تسامح، نه تنها بسترها و فرصت ها برای نقش آفرینی مردم در عرصه توسعه سیاسی ایران از سوی دولت ها فراهم نگردیده بلکه رشد فرهنگ سیاسی محدود، محدود - تبعی، پوپولیستی - بسیج گرایانه (بسیج اقشار و افکار مختلف در تمامی عرصه ها، منطبق بر اهداف حکمرانان) و نیمه مشارکتی در تقابل و انحراف آشکار با روندهای توسعه سیاسی ایران بوده است. گرچه روند تحولات اخیر ایران به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با افت و خیز هایی همراه بوده است، اما نشانه های مثبت و امید بخشی در این راستا در حال شکل گیری است که بی تردید با شناخت کامل شرایط و بررسی وضع موجود و استفاده از دیدگاه های مختلف و نظر اندیشمندان و به کارگیری شاخص ها و مولفه های توسعه سیاسی متناسب با فرهنگ و شرایط خاص ایران می توان زمینه را برای شتاب دادن به امر توسعه به معنای عام کلمه به ویژه توسعه سیاسی فراهم نمود. آنچه در ادبیات توسعه سیاسی مرسوم است از دانشگاه و دانشجویان به عنوان قلب تپنده و پیشتاز تحولات سیاسی و اجتماعی به ویژه در دهه های اخیر یاد می شود، از آنجا که دانشجویان به عنوان کارگزاران اصلی توسعه سیاسی محسوب می شوند بر این اساس این پژوهش در تلاش است تا با بررسی نگرش های سیاسی آن ها و شناخت نسبی شان نسبت به اهمیت تاثیر فرهنگ سیاسی مشارکتی بر تحقق توسعه سیاسی، به شناسایی موانع مهم و تاثیر گذار بر تحقق توسعه سیاسی بپردازد. در این بین اندیشمندان مختلف مباحث زیادی را در خصوص تاثیر فرهنگ سیاسی مشارکتی بر تحقق توسعه سیاسی مطرح نموده اند که از جمله می توان به پای، آلموند، وربا و اینگلهارت اشاره نمود. آلموند و وربا با این پیش فرض که تغییرات سیاسی در گرو فرهنگ سیاسی مشارکتی است، دو مدل مشارکتی دموکراتیک و توتالتری را از هم تفکیک می کنند؛ در اولی افراد عادی فرصت مشارکت در فرآیند تصمیم گیری سیاسی را به عنوان شهروندان تاثیرگذار دارند، ولی در دومی آن ها نقش سوژه مشارکت کننده با مشارکت تبعی را دارند. (آلموند و وربا، ۱۳۹۱: ۲۱۸) و همچنین کشورهایی که توسعه اقتصادی و اجتماعی از کیفیت و کمیت قابل قبولی برخوردار است فرهنگ سیاسی مشارکتی پشتوانه اصلی ثبات و تحکیم دموکراسی و و مانع بازگشت اقتدار گرایی است (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۲۳۹). بنابراین با بررسی دیدگاه دانشجویان قصد بر آن است به جنبه های مجهول این پژوهش با طرح پرسش هایی، دست پیدا کرد. فرهنگ سیاسی مشارکتی چه تاثیری بر روند توسعه سیاسی ایران دارد؟ آیا موانع عمده توسعه سیاسی در ایران را باید در فرهنگ سیاسی محدود - تبعی و شاخص های آن جستجو نمود؟ آیا فرهنگ سیاسی ایرانی مبتنی بر بی اعتمادی اجتماعی، فردگرایی منفی، ضعف فرهنگ

گفتگو، تمرکز منابع قدرت، چندپارگی سیاسی و اجتماعی و روش حذف و تخریب در حل اختلاف هاست؟ آیا این فرهنگ سیاسی انباشته شده می تواند موانعی جدی و بنیادی پیش روی رقابت جمعی عقلایی و تحقق توسعه سیاسی بازی کند؟ آیا فرهنگ سیاسی مشارکتی می تواند عاملی بالقوه در تحقق توسعه سیاسی باشد، یا به چه میزان متغیرهایی مانند فعالیت های مدنی، استفاده از رسانه های همگانی، فرصت های برابر اجتماعی و سیاسی می تواند بر گسترش فرهنگ سیاسی مشارکتی تاثیر داشته باشد؟ این پرسش ها را در قالب پرسشنامه با دانشجویان دانشگاه شیراز در میان گذاشته ایم.

۱-۱- هدف کلی: بررسی موانع توسعه سیاسی در ایران با تاکید بر شاخص فرهنگ سیاسی مشارکتی

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- پیشینه تجربی پژوهش

۲-۱-۱- مروری بر مطالعات تجربی

نام پژوهشگر و تاریخ	عنوان پژوهش	نتایج به دست آمده
جهانگیری، ابوترابی زارچی (۱۳۹۱)	تاثیر رسانه های جمعی بر فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز	احساسات، باورها، ارزش ها و دانش سیاسی بر فرهنگ سیاسی دانشجویان مؤثر است و هرچه میزان استفاده از رسانه های جمعی بیشتر باشد فرد به سمت یک فرهنگ سیاسی مشارکت جویانه تر تمایل بیشتری دارد
سردار نیا، یوسفی (۱۳۹۵)	تاثیر رابطه اعتماد و عضویت در انجمن های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی	گرایش دانشجویان دارای سرراهیه اجتماعی بالا به سمت فرهنگ سیاسی مدنی و دموکراتیک بیشتر است
ابوترابی زارچی (۱۳۸۹)	بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی مرتبط با فرهنگ سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه شیراز)	۸۴ درصد دانشجویان دارای فرهنگ سیاسی محدود و تبعی، فقط ۱۶ درصد دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی هستند
فراستخواه (۱۳۹۴)	ما ایرانیان زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی	ضعف فرهنگ کار جمعی و فعالیت مشترک گروهی و خود مداری
بشیریه (۱۳۹۵)	موانع توسعه سیاسی در ایران	تمرکز منابع قدرت، چندپارگی سیاسی و ایدئولوژی گروه حاکم در دوره پهلوی به عنوان موانع اصلی توسعه
حیدر پورکلید سر، وثوقی، ساروخانی و ازکیا (۱۳۹۶)	واکاوی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران (عصر پهلوی دوم)	فرهنگ استبدادی، مدیریت اقتدارگرایانه پهلوی دوم، سرکوب جامعه مدنی، انحلال احزاب سیاسی به عنوان موانع توسعه سیاسی
سیونگ یو (۱۳۸۲)	فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی در ایران (مطالعه تطبیقی ایران و کره)	فرهنگ سیاسی سنتی عمده ترین عامل بازدارنده توسعه سیاسی دموکراتیک

فقدان فرهنگ سیاسی مشارکتی وجود جلوه هایی از فرهنگ سیاسی محدود و تابعیت پذیر	روانشناسی نخبگان سیاسی ایران	ماروچ ۱۹۳۱ زونیس (۱۹۷۱)
آدمیان طبعاً شرور و قدرت طلب و غیر قابل اعتماد حکومت دشمن مردم و جامعه نیز نسبت به حکومت بی اعتماد	ویژگی های عمده فرهنگ سیاسی در بین طبقه متوسط ایران	آر. دی. گانتیل (۱۹۵۰)
تاثیر فرهنگ سیاسی بر روابط میان عوامل اجتماعی و رفتار سیاسی	فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی	لوسین پای و سیدنی وربا (۱۹۶۱)
وابستگی قوام و پایداری توسعه سیاسی به خاستگاه فرهنگ سیاسی	فرهنگ سیاسی بیش از هشتاد کشور جهان	اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۸)

آنچه از بررسی پژوهش های انجام شده برمی آید عمده تحقیقات انجام شده در خصوص فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه شیراز، دارای ویژگی های مشترک به شرح زیر می باشد ولی این پژوهش حاوی تفاوت هر چند اندک با سایر پژوهش ها می باشد. (۱) فرهنگ سیاسی پیش شرط توسعه سیاسی محسوب می شود. (۲) اغلب ویژگی های منفی فرهنگ سیاسی ایرانیان را مد نظر قرار داده اند. (۳) مهمترین مانع توسعه سیاسی را فرهنگ سیاسی می دانند، (۴) عمدتاً از نظریات آلموند و پاول یا وربا استفاده کرده اند (۵) و در نهایت عمده مشکلات را از فرهنگ سیاسی ناکارآمد دانسته اند، (۶) تحقیقات صورت گرفته در باب فرهنگ سیاسی ایرانیان عمدتاً با تاکید بر منش و خلق و خوهای ایرانیان به صورتی تقریباً غیر قابل تغییر نشان داده شده است. (۷) آنچه از گفتمان حاکم بر دیدگاه های نظریه پردازان داخلی و گاه خارجی برمی آید در واقع حکایت از نوعی گفتمان غربگرایانه دارد و همچنین آنچه در خصوص فرهنگ سیاسی ایرانیان مستفاد می شود همه حکایت از اینکه شدن مردم ایران نسبت به فرهنگ سیاسی خودی و به نوعی دچار خودکم بینی فرهنگی شده اند، گرچه نتایج حاصل شده در پژوهش حاضر هم مبتنی بر این رویکرد ها بوده است اما این پژوهش در تمایز با بقیه پژوهش ها هم جنبه های مثبت و هم جنبه های منفی مؤلفه های فرهنگ سیاسی ایرانیان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه شیراز را مورد بررسی قرار داده است. که در قسمت بحث و نتیجه گیری به طور مبسوط خواهد آمد.

۲-۲- رویکردهای نظری به توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی

در کشورهای توسعه یافته، تحولاتی در یک صد سال گذشته به وقوع پیوسته که وجوه و جلوه های گوناگون فرایند واحدی به نام «توسعه سیاسی»، به حساب می آیند. توسعه سیاسی در این مدت به لحاظ مضمونی دستخوش تعابیر و برداشت های متفاوت گردیده است. در دوره پس از جنگ جهانی دوم از دهه ۱۹۵۰ میلادی علمای سیاسی در پی عرضه نظریه ای تجربی درباره چگونگی پیدایش فرایند توسعه سیاسی برآمدند که در قالب ۴ نسل از نظریه پردازان مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین در بحث فرهنگ سیاسی با توجه به تنوع و

گسترده‌ی نظریات موجود و سابقه تاریخی این مباحث دیدگاه‌ها و نظریات نظریه پردازان متاخر به صورت موجز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۲- نظریه پردازان عمده طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰

مهمترین نظریه پردازان این نسل عبارت‌اند از ادوارد شیلز^۱، گابریل آلموند^۲ و جیمز اس کلمن^۳. در آغاز دهه ۱۹۶۰ گابریل آلموند و جیمز اس کلمن معتقد بودند که دو ویژگی استقلال و تخصص‌گرایی متغیرهای بنیادی توسعه سیاسی را تشکیل می‌دهند. آن‌ها این دو ویژگی را از طریق مفهوم کلیدی "تمایزگذاری ساختاری" و "تمایز در اجزاء ساخت" در نظر می‌آورند و ادعا می‌کنند بر اساس آن سطح نوگرایی هر نظام سیاسی قابل تشخیص است. (بدیع، ۱۳۹۳: ۵۶-۵۵).

۲-۲-۲- نظریه پردازان سال‌های ۱۹۶۵ تا اواخر دهه ۱۹۷۰

مهمترین نظریه پردازان این نسل عبارت‌اند از ارگانسکی^۴، برینگتون مور^۵، آلموند و پاول^۶، لوسین پای^۷ و ساموئل هانتینگتون^۸. آلموند و پاول معتقدند که توسعه سیاسی علاوه بر تمایز ساختاری، با دنیایی شدن (سکولار شدن) فرهنگ نیز مشخص می‌شود. کارویژه‌های نظام سیاسی عبارت‌اند از تبدیل و استحاله، تطبیق و کارکردی نظام سیاسی. در کارویژه‌های تطبیق اجتماعی کردن سیاست متضمن نشر و حفظ یک فرهنگ سیاسی است که با نیازهای کارکردی نظام سازگار باشد. (شیرزادی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

ساموئل هانتینگتون نیز نهادینه شدن را وجه مشترک تمامی روندهای توسعه سیاسی نظام‌هایی سیاسی ارزیابی می‌کند که به نهاد‌های پایدار، جا افتاده، پیچیده، مستقل و منسجمی مجهز باشند. (هانتینگتون، ۱۹۸۰: ۲۸۳). وی جوامع سیاسی توسعه یافته را با سطح نهادمندی سیاسی شان می‌توان از جوامع سیاسی توسعه نیافته بازشناخت. به این دو تمایز باید تمایز سومی را نیز افزود: تمایز میان جوامعی که سطح اشتراک سیاسی شان نسبت به نهادمندی سیاسی شان بالاست و آن جوامعی که نهادمندی شان نسبت به اشتراک شان بالاست نظام‌های سیاسی دارای سطح پایین نهادمندی و سطح بالای اشتراک، نظام‌هایی‌اند که نیروهای اجتماعی شان یکراست و با روش‌های خودشان در صحنه سیاسی عمل می‌کنند. (هانتینگتون، ۱۹۷۵: ۱۲۰).

۳-۲-۲- نظریه پردازان سال‌های ۱۹۸۰ تا کنون

¹ Edward Shills

² Gabriel Almond

³ James Kelman

⁴ Organsky

⁵ Brington Moore

⁶ Almond & Powell

⁷ Lucien Pye

⁸ Samuel P. Huntington

مهمترین نظریه پردازان این دوره عبارتند از: آدریان لفت ویچ^۹، لری دیاموند^{۱۰}، هلیو چگورایب^{۱۱}، آیزنشتات^{۱۲}. هلیو چگورایب در دیدگاهش بر جهت گیری عقلایی، تفکیک ساختاری و قابلیت تاکید می کند، او خاطر نشان می سازد که لازمه توسعه سیاسی، وجود تعادل مناسب بین نوسازی سیاسی و نهادینه کردن سیاسی است (اعتباریان خوراسگانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵).

۲-۲-۴) نظریه پردازان فرهنگ سیاسی: مهمترین اندیشمندان متاخر در بحث فرهنگ سیاسی عبارت اند از لوسین پای، گابریل آلموند، سیدنی وربا، آلموند و پاول، رونالد اینگلهارت، ساموئل بارنز و رابرت پوتنام.

اولین پژوهش های روش مند درباره مفهوم فرهنگ سیاسی و در سده بیستم، تحت تاثیر مکتب روانشناسی سیاسی صورت گرفت. از این دیدگاه سیاست کلان هر جامعه تابعی از ویژگی های روانی - فرهنگی اعضای آن است، که رفتارها و تحولات سیاسی آن جامعه را شکل می داد. (گل محمدی و صابری، ۱۳۸۹: ۸۲). آلموند و وربا از لحاظ سنخ شناسی قائل به سه نوع فرهنگ سیاسی عمده هستند که با سه نوع واکنش در مقابل موضوعات سیاسی ارتباط می یابند: فرهنگ سیاسی ده کوره؛ مبتنی بر بی تفاوتی و جهل نسبت به دولت ملی و سر فرو برده در واحد های محلی متعلقه مثل: قبیله یا روستا. فرهنگ سیاسی انقیادی (فرهنگ اطاعتی) که بر عکس با آگاهی از نظام سیاسی ملی همراه است ولی مردم نسبت به آن حالتی کاملاً انفعالی دارند. در اینجا افراد نسبت به نظام احترامی توأم با ترس دارند و بر این باورند که قادر به مشارکت در عملکرد آن نیستند. فرهنگ سیاسی مشارکتی که بر عکس بر اراده شهروندان و اعمال کامل حقوق و تکالیفشان در تصمیمات سیاسی استوار است. آن ها نتیجه می گیرند که نوع سوم بهتر از سایر انواع و با دموکراسی های باثبات سازگار بوده و در نتیجه مشخصه پیشرفته ترین نظام های سیاسی اند (پیشین، ۲۱۷). اینگلهارت^{۱۳} معتقد است که تقریباً تمام جوامعی که از حیث ارزش های ابراز وجود تاکید بر مشارکت سیاسی، آزادی، مدارا، اعتماد بین فردی و رضایت از زندگی در مراتب بالا قرار دارند دارای دموکراسی های باثبات و بالعکس جوامع دارای ارزش های بقا اقتدار طلب هستند (اینگلهارت، ۱۳۸۱: ۹۶)

۲-۴- چارچوب نظری پژوهش

بر اساس رویکردهای نظری مطرح شده در بخش مبانی نظری پژوهش می توان در قالب جداول زیر منظور از تاثیر فرهنگ سیاسی مشارکتی بر توسعه سیاسی را با عنایت به نظریات نظریه پردازانی مانند لوسین پای، رونالد اینگلهارت، آلموند، پاول، وربا و توضیح داد.

جدول ۱-۲- فرهنگ سیاسی مشارکتی

نظریه پردازان	نظریه طرح شده
---------------	---------------

⁹ Adrian Laft Wich

¹⁰ Larry Diamond

¹¹ Helio Jegoribe

¹² Samuel Eisenstadt

¹³ Ronald Inghelhart

لوسین پای	اقتدار طلب، دموکراتیک، عوامل اجتماعی و رفتار سیاسی
آلموند و پاول	سنخ شناسی فرهنگ سیاسی، تبعی، محدود و مشارکتی
آلموند و وربا	جهت گیری احساسی، جهت گیری ارزیابانه و جهت گیری مشارکتی (فرهنگ سیاسی مشارکتی)
رونالد اینگلهارت	ارزش های بقا و ارزش های معطوف به ابراز وجود مانند (مشارکت سیاسی، آزادی رسانه ها، تقویت نهادهای مدنی، اعتماد بین فردی)

همانطور که در جدول مشاهده می شود، لوسین پای معتقد است که مفهوم فرهنگ سیاسی می تواند در مطالعه روابط میان عوامل اجتماعی و رفتار سیاسی نیز مؤثر باشد. و فرهنگ سیاسی را به دو دسته اقتدار طلب و دموکراتیک تقسیم می کند. همچنین آلموند و وربا برای پی بردن به گونه شناختی فرهنگ سیاسی از ترکیب انواع جهت گیری های درونی شده و در کل سه نوع فرهنگ سیاسی را بازشناسی می کنند و رونالد اینگلهارت نوسازی اجتماعی - اقتصادی را موجب تغییر فرهنگی می داند.

جدول شماره ۲-۲- توسعه سیاسی

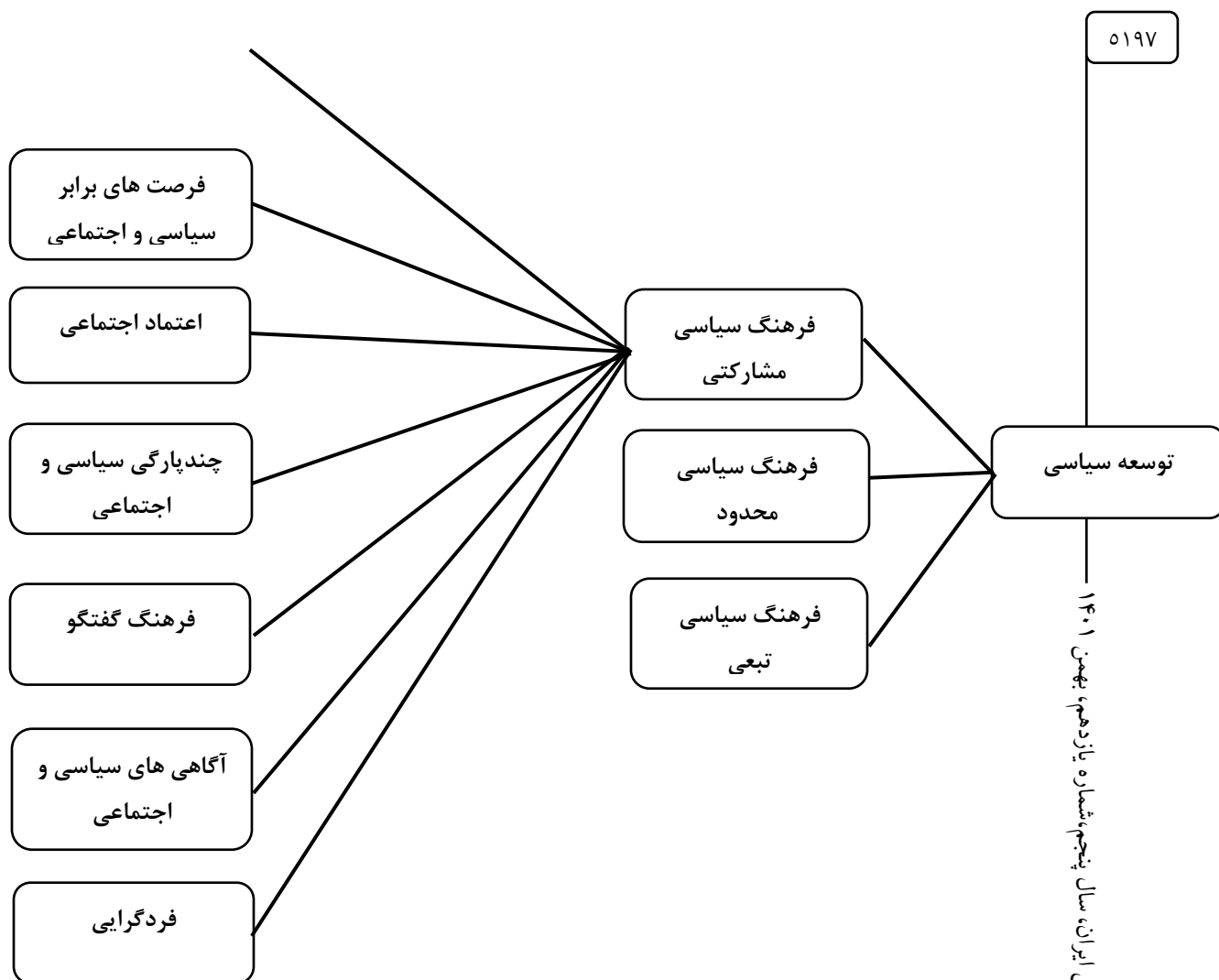
نظریه پرداز	نظریه طرح شده
ساموئل هانتینگتون	اقتدار گرایی، زوال سیاسی، تمرکز منابع قدرت و مشارکت سیاسی
آلموند و پاول	مصلحت گرایی، ارجحیت فعالیت های دسته جمعی بر فردگرایی، اعتماد اجتماعی
هلیو جگورایب	جهت گیری عقلایی، تفکیک ساختاری و قابلیت، یکپارچگی سیاسی

همانطور که از جدول بالا پیداست، ساموئل هانتینگتون معتقد است نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد. در غیر اینصورت سیستم با بی ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی، تمرکز منابع قدرت و زوال سیاسی مواجه خواهد شد. آلموند و پاول عواملی مانند مصلحت گرایی، ارجح بودن فعالیت های دسته جمعی بر فردگرایی، میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی و روابط سیاسی بر مبنای اعتماد متقابل را به عنوان معیار توسعه سیاسی تلقی کرده اند. اما هلیو جگورایب نظریه های توسعه تعادلی را در قالب یک طبقه بندی دوگانه قرار می دهد توسعه سیاسی را نوسازی همراه با نهادینه کردن سیاسی می داند. او در این رابطه برای نوسازی سیاسی از سه متغیر: « جهت گیری عقلایی، تفکیک ساختاری و قابلیت» استفاده کرده است.

۲-۱- مدل پژوهش

تمرکز منابع قدرت

فعالیت های مدنی



۲-۵- تدوین مدل های اندازه گیری

مدل ساختاری روابط میان متغیرهای مکنون (سازه‌ها) را توصیف می‌کند. در مقابل، مدل اندازه‌گیری روابط میان سازه‌ها و متغیرهای معرف متناظرشان (عموماً در PLS-SEM مدل بیرونی نامیده می‌شوند) را نشان می‌دهد. اساس تعیین این روابط، نظریه اندازه‌گیری است. یک نظریه اندازه‌گیری دقیق، شرط لازم برای کسب نتایج مفید از PLS-SEM است. آزمون فرضیه‌های مربوط به روابط ساختاری میان سازه‌ها تنها به اندازه مدل‌های اندازه‌گیری معتبر و قابل اطمینان خواهد بود و توضیح می‌دهد چگونه این سازه‌ها اندازه‌گیری می‌شوند.

محققان عموماً چندین روش اندازه‌گیری جایگزین برای انتخاب دارند که لندکی باهم تفاوت دارند. در حقیقت، امروزه تقریباً همه مطالعات علوم اجتماعی از رویکردهای اندازه‌گیری منتشرشده در مطالعات قبلی یا کتاب‌های

مقیاس استفاده می‌کنند (بیردن و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۱؛ بانر و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۱ به نقل از آذر و غلامزاده، ۱۳۹۵). در برخی شرایط، محققان با کمبود روش اندازه‌گیری ایجادشده روبرو می‌شوند و باید مجموعه جدیدی از سنجه‌ها را توسعه دهند. شرح فرایند کلی توسعه معرف‌ها برای سنجش یک سازه طولانی و مفصل است. هیر و همکاران (۲۰۱۰) اصول این فرایند را شرح داده‌اند.

۱-۵-۲- روش معادلات ساختاری

از جمله روش‌های تجزیه و تحلیل مورد استفاده در پژوهش‌های مدیریت مدل تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری است. یک مدل کامل معادلات ساختاری آمیزه‌ای از نمودار مسیر و تحلیل عاملی تأییدی است. مدل‌سازی معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط میان متغیرهای مشاهده‌شده و پنهان است که گاه تحلیل ساختاری کواریانس یا مدل‌یابی علی نیز نامیده می‌شود. متغیر پنهان، متغیری است که به‌طور مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شود، بلکه با استفاده از دو یا تعداد بیشتری از متغیرهای مشاهده‌شده در نقش معرف سنجش می‌شود. مدل‌های معادله ساختاری به‌طور معمول ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری‌اند.

۲-۶- فرضیه‌های پژوهش

۱-۲-۶- فرضیه‌های اصلی

- بین توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.
 - بین توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی محدود دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.
 - بین توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی تبعی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.
- #### ۲-۶-۲- فرضیه‌های فرعی
- بین مؤلفه‌های زمینه‌ای (سطح سواد، جنسیت، پایگاه اقتصادی، خاستگاه شهری و روستایی) و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.
 - بین تمرکز منابع قدرت و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.
 - بین فعالیت‌های مدنی و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.
 - بین فرصت‌های برابر سیاسی، اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.
 - بین اعتماد اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.
 - بین چند پارگی‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.
 - بین فرهنگ گفتگو و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.

¹⁴. Bearden, et al.

¹⁵. Bruner, et al.

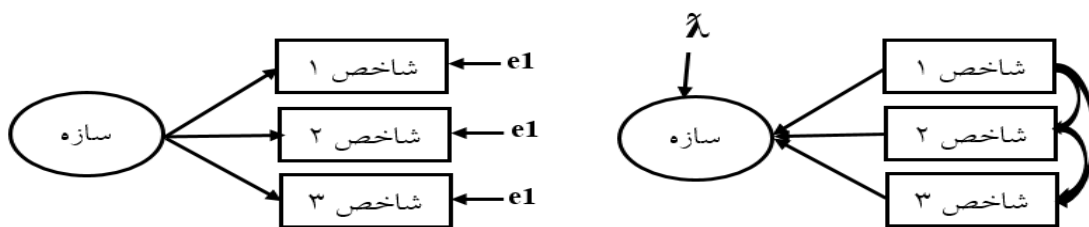
- بین استفاده از رسانه های جمعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.

- بین فردگرایی و فرهنگ سیاسی مشارکتی دانشجویان دانشگاه شیراز رابطه معنا داری وجود دارد.

۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف « کاربردی » است؛ زیرا فرضیه‌های آزمون شده به منظور شناسایی و حل مسائل در جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرند، از نظر شیوهی گردآوری اطلاعات تحقیق از نوع پژوهش‌های توصیفی، پیمایشی از نوع همبستگی است. پژوهش‌های همبستگی در یک محیط طبیعی انجام می‌شوند میزان دخالت پژوهشگر در این پژوهش حداقل می‌باشد و افق زمانی این پژوهش مقطعی بوده است. در این بخش علاوه بر آمار استنباطی، آمار توصیفی داده‌های حاصل از پرسشنامه ارائه و سپس تحلیل داده‌ها بر مبنای آمار استنباطی و آمار توصیفی به کمک فنون آماری مناسب به منظور آزمون فرضیه‌ها صورت می‌گیرد. داده‌ها با استفاده از معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS تجزیه و تحلیل شده‌اند. محققین که از مدل‌های ساختاری در پژوهش خود استفاده می‌نمایند، با دو بخش مدل اندازه‌گیری و بخش ساختاری سروکار دارد. یکی از دغدغه‌های پژوهشگران در تدوین مدل‌های اندازه‌گیری مربوط به مدل مفهومی تحقیقاتشان، تصمیم درباره انتخاب نوع مدل اندازه‌گیری است. مدل اندازه‌گیری در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری ۱۶ به دو نوع تقسیم می‌شود: (۱) مدل با شاخص‌های بازتاب‌دهنده یا انعکاسی و (۲) مدل با شاخص‌های سازنده

مدل با شاخص‌های سازنده: در این نوع از مدل‌های اندازه‌گیری، شاخص‌ها هستند که سازه را تعریف کرده و می‌سازند و از این رو شاخص‌ها در اینجا مقدم هستند؛ زیرا آن‌ها باعث به وجود آمدن سازه می‌شوند. در مدل‌های سازنده، شاخص‌ها با هم ترکیب شده و سازه را می‌سازند. نوک پیکان از شاخص‌ها به سمت سازه است. نمونه‌ای از مدل اندازه‌گیری با شاخص‌های سازنده در شکل **Error! No text of specified style** in document. ۱-۴ (قسمت ب) آمده است:



شکل الف) مدل با شاخص‌های انعکاسی

شکل ب) مدل با شاخص‌های سازنده

شکل **Error! No text of specified style in document.** ۱-۴ دو نوع مدل‌های اندازه‌گیری

در تحقیق حاضر، تمام متغیرهای پژوهشی از نوعی شاخص‌های انعکاسی می‌باشند.

۳-۱- متغیرهای تحقیق

در پژوهش حاضر، ۱۳ متغیر موجود است که در جدول زیر اطلاعات آن ارائه شده است.

جدول ۳-۳- توزیع فراوانی گویه‌های موجود در ابزار پرسشنامه به تفکیک متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	تعداد گویه‌ها
1	چندپارگی سیاسی و اجتماعی	3
2	تمرکز منابع قدرت	5
3	اعتماد اجتماعی	5
4	فرصت‌های برابری سیاسی و اجتماعی	6
5	فرهنگ هم‌پذیری	4
6	فعالیت‌های مدنی	5
7	فرهنگ گفتگو	5
8	فردگرایی	4
9	فرهنگ سیاسی محدود	4
10	فرهنگ سیاسی تبعی	3
11	مولفه‌های زمینه‌ای	11
12	آگاهی اجتماعی و فرهنگی	4
13	توسعه سیاسی	4
کل گویه‌ها		63

برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استاندارد شده محقق ساخته شده استفاده شد که در مجموع دارای ۶۳ گویه می‌باشد. مقیاس اندازه‌گیری گویه‌ها استفاده از طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای بوده که از گزینه (۱) کاملاً مخالفم تا (۵) کاملاً موافقم استفاده شده است.

۳-۲- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

۳-۲-۱- توسعه سیاسی

۳-۲-۱-۱- تعریف نظری:

توسعه سیاسی از مفاهیم جامعه شناختی است که در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی، جمعی و ترکیب مردمی بودن آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. هانتینگتون معتقد است توسعه سیاسی در قالب ساختارهای سیاسی، مشارکت داوطلبانه، حکومت عقلایی، فعالیت سیاسی و اجتماعی مستمر، تعریف می شود. (اعتباریان خوراسگانی، قلی پور مقدم، ۱۳۹۶: ۳)

۲-۱-۲-۳- تعریف عملیاتی:

تعریف عملیاتی مفهوم توسعه سیاسی در قالب گویه های زیر متناسب است با هریک از ابعاد توسعه سیاسی جدول زیر.

جدول ۳-۴- معرف های تجربی توسعه سیاسی

متغیر	ابعاد	معرف ها
مشارکت مدنی - سیاسی	مشارکت مدنی - سیاسی	عضویت در احزاب و انجمن های سیاسی، سازمان های مردم نهاد، شوراهای محلی
	ملی گرایی	یکپارچگی سرزمینی، ملی و مخالفت با قوم گرایی و طایفه گرایی
	فرصت های برابر	استفاده برابر از فرصت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
	حمایت از حکومت دموکراتیک	تاکید بر انتخابات آزاد و مخالفت با اقتدار گرایی
	دانش و آگاهی های سیاسی	آگاهی در خصوص مناصب مختلف سیاسی و فعالیت احزاب
	تساهل مدارا و همگرایی سیاسی	مدارا با اقلیت های قومی، مذهبی و مطلق گرایی
	قانون گرایی	حاکمیت قانون، شفافیت، رعایت اصول قانون، به رسمیت شناختن انواع آزادی ها
	آزادی بیان و اجتماعات	علاقه مند به بیان آزاد عقاید و نظرات و تضارب آراء و اندیشه ها

۳-۳- فرهنگ سیاسی

۱-۳-۳- تعریف نظری:

فرهنگ سیاسی عبارت است از مجموعه طرز تلقی های پایدار، پندار ها و احساسات موجود درباره حساسیت های جاری در یک جامعه است. در واقع، فرهنگ سیاسی یک جامعه مجموعه ای از آرمان ها، نگرش ها و طرز برخورد های کم و بیش ثابت درباره قدرت و سیاست است که تحت تاثیر عقاید، نمادها، ارزش ها و باورهای افراد در متن تاریخ و حیات جمعی آن ها شکل می گیرد و به رفتار ها و کنش های سیاسی در قبال نظام سیاسی جهت می دهد. (موتقی، ۱۳۹۱: ۲۱۶-۲۱۵)

۲-۳-۳- تعریف عملیاتی:

تعریف عملیاتی مفهوم فرهنگ سیاسی مشارکتی در قالب گویه های زیر بیان می گردد.

جدول ۳-۵- معرف های تجربی فرهنگ سیاسی مشارکتی

ابعاد	معرف ها
مشارکت سیاسی	علاقه به شرکت در انتخابات، سهمین شدن در تصمیم گیری، اعتماد به نهادهای عمومی و نخبگان
مشارکت اجتماعی	عضویت در انجمن های مذهبی، علمی، خیریه، هنری، سیاسی، اصناف و شوراها
مشارکت اقتصادی	موافقت با خودگردانی واحد های محلی، رقابت آزاد، سرمایه گذاری و علاقه به رشد و تولید ملی
اجماع گرایی	اولویت نیازهای جامعه بر نیاز های فرد، مخالفت با فردگرایی، تاکید بر منافع جمعی
فرهنگ گفتگو	احترام گذاشتن به نظرات دیگران و موفقیت با انتقاد پذیری و میزان تاب آوری
انسجام اجتماعی	میزان علاقه فرد به جامعه و روابط با همسایگان، همکاری و علاقه به حقوق دیگران
مسئولیت پذیری	علاقه به پذیرش مسئولیت فردی و اجتماعی و انجام درست کارها

۳-۴- جامعه آماری

به عقیده بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی برای رسیدن به توسعه پایدار توجه به دیدگاه های کارگزاران امر توسعه سیاسی الزامی است لذا با توجه به اهمیت دیدگاه های دانشجویان که از کارگزاران مهم توسعه سیاسی محسوب می شوند جامعه آماری این تحقیق «دانشجویان دانشگاه شیراز» می باشد که بالغ بر ۲۱۰۰۰ نفر در مجموعه دانشکده های این دانشگاه می باشند و سطح تحلیل این پژوهش افراد یا دانشجویان هستند. شایان ذکر است که آمار ذکر شده با توجه به اسناد معتبر ارائه شده از بخش مرکزی دانشگاه شیراز و بررسی های انجام شده توسط پژوهشگر می باشد.

در این پژوهش بیشترین درصد پاسخگویان (۳۵.۵ درصد) از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز، که نشان از اهمیت دیدگاه های دانشجویان رشته های علوم انسانی در بحث توسعه سیاسی است و کمترین درصد (۶.۸ درصد) متعلق به دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز می باشد. همچنین (۴۸.۵ درصد) از پاسخ دهندگان بین (۲۵ تا ۳۰ ساله) بوده اند و از کل نمونه استخراج شده حدود ۵۲.۲ درصد از پاسخ گویان زن هستند.

۳-۵- نمونه گیری و تعیین حجم نمونه

با توجه به حجم جامعه آماری که بالغ بر ۲۱۰۰۰ نفر بوده است، نمونه آماری تحقیق حاضر به وسیله فرمول گُورکران تعیین و حجم نمونه، به تعداد ۳۷۷ نفر محاسبه گردید. در این پژوهش از روش «نمونه گیری تصادفی» بهره برده شده و سطح تحلیل «افراد» است.

۳-۶- ابزار و روش جمع آوری داده ها

به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز این تحقیق روش کتابخانه ای، استفاده از نظرات از طریق پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفته است. ادبیات تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای و مطالعه مجلات علمی و مقالات و مباحث

علمی مختلف بر روی شبکه اینترنت از قبیل *Enrald*، *Science dirct*، *Proquest*، *SID*، *Springer*، *Google Scholar* جمع‌آوری شده است. داده‌های اصلی تحقیق از طریق توزیع پرسشنامه بین نمونه مربوطه به دست آمد. از آنجائی که پژوهش حاضر از نوع پیمایشی می‌باشد، مانند بسیاری از مطالعات پیمایشی مشابه، برای جمع‌آوری اطلاعات موردنظر در جهت آزمون فرضیه‌ها از پرسشنامه استفاده گردیده است. پرسشنامه طراحی شده برای این پژوهش از سه قسمت تشکیل شده است: قسمت اول شامل اطلاعات فرد پاسخ‌دهنده از قبیل: جنسیت، سن، میزان تحصیلات و وضعیت درآمد ماهانه خود یا خانواده آنهاست. قسمت دوم، به سنجش متغیرهای مستقل و وابسته ذکر شده در بخش قبلی می‌پردازد. قسمت سوم نیز بخشی برای اعمال نظر پاسخ‌دهندگان در خصوص پیشنهادها و انتقادات و یا هر نکته دیگری که به نظر آنها مهم به نظر می‌رسد و در تدوین پرسشنامه لحاظ نگردیده بود در نظر گرفته شده است.

۷-۳-روایی (اعتبار) ابزار جمع‌آوری داده‌ها: در این مطالعه از اعتبار محتوا برای سنجش روایی گویه‌های (به‌طور دقیق‌تر) پرسشنامه‌ها استفاده شده است. اساساً، روایی محتوا بدین معنی است که یک ابزار تجربی تا چه اندازه قلمرو محتوایی یک مفهوم را در برمی‌گیرد (کارمینز و زلر، ۲۰۰۱)، بنابراین برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه‌ها در اختیار صاحب‌نظران مرتبط با موضوع تحقیق از جمله اساتید راهنما و مشاور و همچنین تعدادی از اساتید متخصص در این حوزه قرار گرفت تا نظرات و پیشنهادهای خود را درباره محتوای گویه‌های پرسشنامه متناسب باهدف تحقیق ارائه دهند. پس از دریافت پرسشنامه، اصلاحات پیشنهادی از جانب متخصصین در نظر گرفته شد تا پرسشنامه از روایی محتوای لازم برخوردار باشد. اعتبار سازه نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار *Smart PLS* نسخه ۳ محاسبه و مورد تأیید قرار گرفت.

۸-۳-پایایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها: در این مطالعه نیز همانند بسیاری از مطالعات دیگر برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری از آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* برای مجموعه سؤالات مربوط به هر متغیر استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ عددی است بین صفر و یک. ضریب آلفای کمتر از ۰/۶ نشان‌دهنده‌ی پایایی ضعیف است. آلفای بالای ۰/۷ تا ۰/۸ نشان‌دهنده‌ی پایایی نسبتاً خوب و آلفای بالاتر از ۰/۸ نشان از پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری دارد (سکاران، ۱۷، ۱۹۹۲)

۴-یافته‌های پژوهش

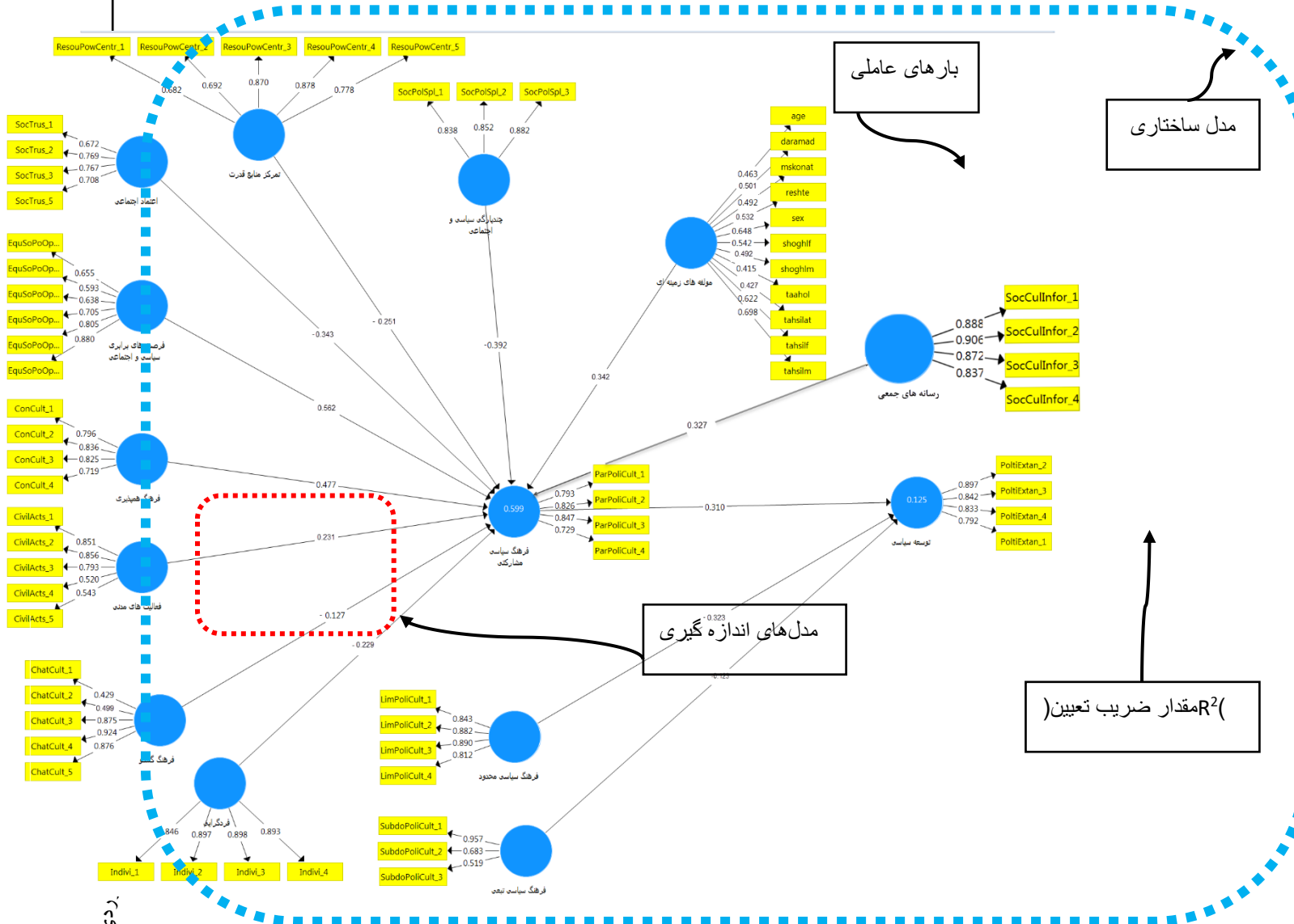
۴-۱- آماره استنباطی

۱-۱-۴-مرحله اول مدل مسیری

مدل مسیری از دو جزء ساخته شده‌اند، مدل ساختاری (در *PLS-SEM* مدل درونی نیز نامیده می‌شود)، که روابط میان متغیرهای مکنون را توصیف می‌کند و مدل اندازه‌گیری که روابط میان متغیرهای مکنون و سنججه‌های متناظر (معرف‌های متناظر) را نشان می‌دهد. ابتدا مدل‌های ساختاری مورد بحث قرار می‌گیرند. مدل ساختاری (م)

در PLS-SEM مدل درونی نیز نامیده می‌شود، که روابط میان متغیرهای مکنون را توصیف می‌کند و مدل اندازه‌گیری که روابط میان متغیرهای مکنون و سنجه‌های متناظر (معرف‌های متناظر) را نشان می‌دهد. که در مرحله اول تدوین می‌شوند، بخش بعدی مرحله دوم را پوشش می‌دهد.

در شکل زیر مدل‌های اندازه‌گیری مدل مفهومی پژوهش حاضر مشاهده می‌شود.



شکل ۴-۱- مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش حاضر

مدل ساختاری در شکل فوق (۴-۱) در انواع سازه‌ها و روابط میان آن‌ها را در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است سازه تمرکز منابع قدرت، فعالیت‌های مدنی، فرصت‌های برابر سیاسی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی، چندپارگی سیاسی و اجتماعی، ضعف فرهنگ گفتگو، استفاده از رسانه های جمعی،

فردگرایی منفی سازه‌های مستقل پژوهش هستند. در مدل مفهومی حاضر، سازه توسعه سیاسی، یک سازه وابسته اصلی است و سازه‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی، فرهنگ سیاسی محدود و فرهنگ سیاسی تبعی برای سازه‌های پشت خود، سازه وابسته و برای سازه وابسته اصلی توسعه سیاسی، یک سازه مستقل به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، این سه سازه نقش وابسته و سپس مستقل را ایفا می‌کنند. همچنین ذکر این نکته ضروری است که کلیه سازه‌های مدل فعلی از جنس سازه انعکاسی می‌باشند که تفاوت سازه‌های انعکاسی با سازه تکوینی / ترکیبی در بخش بعدی ارائه شده است.

۴-۶- آزمون فرضیه‌ها

نام فرضیه	مقدار ضریب	آماره T- Value	نتایج حاصله
فرهنگ سیاسی مشارکتی	مثبت ۰.۳۱۰	۴.۶۹۲	با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه مورد تایید است، به این معنی که بین فرهنگ سیاسی مشارکتی و توسعه سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد
فرهنگ سیاسی محدود	منفی ۰.۳۲۳	۲.۳۴۵	اگر یک واحد فرهنگ سیاسی محدود افزایش یابد و به دلیل رابطه معکوس آن با توسعه سیاسی، آنگاه به اندازه ۱۲ درصد در توسعه سیاسی کاهش ایجاد می‌شود.
فرهنگ سیاسی تبعی	منفی ۰.۱۲۵	۱.۹۸۵	اگر یک واحد فرهنگ سیاسی تبعی افزایش یابد و به دلیل رابطه معکوس آن با توسعه سیاسی، آنگاه به اندازه ۱۲ درصد در توسعه سیاسی کاهش ایجاد می‌شود.
تمرکز منابع قدرت	منفی ۰.۲۵۱	۳.۶۲۰	تمرکز منابع قدرت در دست طیفی از افراد جامعه، در نهایت باعث می‌شود تا فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین افراد تقلیل یافته و مشارکت افراد کم‌رنگ شود.
فعالیت‌های مدنی	مثبت ۰.۲۳۱	۲.۸۹۱	اگر یک واحد فعالیت‌های مدنی در جامعه بهبود یابد، آنگاه فرهنگ سیاسی مشارکتی به اندازه ۲۳ درصد تقویت می‌شود
فرصت‌های برابر سیاسی و اجتماعی	مثبت ۰.۵۶۲	۲.۹۰۹	رابطه معنی دار بین فرصت‌های برابری سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی
اعتماد اجتماعی	منفی ۰.۳۴۳	۲.۷۶۴	به مجرد اینکه یک واحد از اعتماد اجتماعی کاسته شود، فرهنگ سیاسی مشارکتی به اندازه ۳۴ درصد تضعیف می‌شود.
چندپارگی سیاسی و اجتماعی	منفی ۰.۳۹۲	۷.۳۶۴	اگر یک واحد چندپارگی سیاسی و اجتماعی قوت گیرد، آنگاه فرهنگ سیاسی مشارکتی به اندازه ۴۰ درصد تضعیف می‌شود
فرهنگ هم‌پذیری	مثبت ۰.۴۷۷	۷.۹۴۹	این رابطه مثبت و معنی‌دار بوده و به مجرد ترویج و تقویت فرهنگ هم‌پذیری بین افراد جامعه، آنگاه فرهنگ سیاسی مشارکتی نیز بهبود می‌یابد.

ضعف فرهنگ گفتگو	منفی ۰.۱۹۶	۲.۴۳۲	به مجرد اینکه یک واحد از فرهنگ گفتگو کاسته شود، فرهنگ سیاسی ۵۲ مشارکتی به اندازه ۱۹ درصد تضعیف می شود.
آگاهی های فرهنگی اجتماعی	مثبت ۰.۳۲۷	۶.۸۹۸	اگر یک واحد میزان آگاهی فرهنگی و اجتماعی افراد جامعه افزایش یابد، آنگاه فرهنگ سیاسی مشارکتی به اندازه ۳۲ درصد بهبود می یابد.
فردگرایی منفی	منفی ۰.۲۲۹	۳.۰۳۲	اگر یک واحد میزان فردگرایی در جامعه افزایش یابد، آنگاه، فرهنگ سیاسی مشارکتی به اندازه ۲۲ درصد تضعیف می شود.
متغیر های جمعیت شناختی (مؤلفه های زمینه ای)	مثبت ۰.۳۴۲	۲.۶۵۲	نشان دهند تأثیر مثبت و معنی دار است،

بررسی فرضیه های پژوهش

جدول ۴-۶ نتایج تأیید یا رد فرضیات اصلی و فرعی پژوهش

عنوان فرضیه های فرعی پژوهش	نماد مسیری	ضرایب مسیر	انحراف استاندارد (STDEV)	T-value	P-value	نتیجه آزمون
متغیر اعتماد اجتماعی تأثیر معنی دار و منفی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	اعتماد اجتماعی < - فرهنگ سیاسی مشارکتی	-۰.۳۴۳	۰.۰۴۵	۲.۷۶۴	۰.۰۴۰	پذیرش
متغیر تمرکز منابع قدرت تأثیر معنی دار و منفی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	تمرکز منابع قدرت < - فرهنگ سیاسی مشارکتی	-۰.۲۵۱	۰.۰۴۹	۳.۶۲۰	۰.۰۰۰	پذیرش
متغیر فرد گرایی تأثیر معنی دار و منفی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	فردگرایی < - فرهنگ سیاسی مشارکتی	-۰.۲۲۹	۰.۰۵۹	۳.۰۳۲	۰.۰۰۳	پذیرش
متغیر فرصت های برابری سیاسی و اجتماعی تأثیر معنی دار و مثبتی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	فرصت های برابری سیاسی و اجتماعی < - فرهنگ سیاسی مشارکتی	۰.۵۶۲	۰.۰۴۶	۲.۹۰۹	۰.۰۴۰	پذیرش
متغیر فرهنگ سیاسی تبعی تأثیر معنی دار و منفی روی متغیر توسعه سیاسی دارد.	فرهنگ سیاسی تبعی < - توسعه سیاسی	-۰.۱۲۵	۰.۰۷۳	۱.۹۸۵	۰.۰۴۳	پذیرش
متغیر فرهنگ سیاسی محدود تأثیر معنی دار و منفی روی متغیر توسعه سیاسی دارد.	فرهنگ سیاسی محدود < - توسعه سیاسی	-۰.۳۲۳	۰.۰۶۹	۲.۳۴۵	۰.۰۱۳	پذیرش
متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی تأثیر معنی دار و مثبتی روی متغیر توسعه سیاسی دارد.	فرهنگ سیاسی مشارکتی < - توسعه سیاسی	۰.۳۱۰	۰.۰۶۶	۴.۶۹۲	۰.۰۰۱	پذیرش

بررسی جامعه شناختی تأثیر فرهنگ سیاسی مشارکتی بر توسعه سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز)

متغیر فرهنگ هم‌پذیری تأثیر معنی‌دار و مثبتی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	فرهنگ هم‌پذیری -> فرهنگ سیاسی مشارکتی	۰.۴۷۷	۰.۰۶	۷.۹۴۹	۰.۰۳۲	پذیرش
متغیر نبود فرهنگ گفتگو تأثیر معنی‌دار و مثبتی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	فرهنگ گفتگو -> فرهنگ سیاسی مشارکتی	-۰.۱۲۷	۰.۰۵۱	۲.۴۳۲	۰.۰۱۳	پذیرش
متغیر فعالیت‌های مدنی تأثیر معنی‌دار و مثبتی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	فعالیت‌های مدنی -> فرهنگ سیاسی مشارکتی	۰.۲۳۱	۰.۰۵	۲.۸۹۱	۳۱۰۰.	پذیرش
متغیر مؤلفه‌های زمینه‌ای تأثیر معنی‌دار و مثبتی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	مؤلفه‌های زمینه‌ای -> فرهنگ سیاسی مشارکتی	۰.۳۴۲	۰.۰۸۸	۲.۶۵۲	۴۰۲۰.	پذیرش
متغیر چندپارگی سیاسی و اجتماعی تأثیر معنی‌دار و منفی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	چندپارگی سیاسی و اجتماعی -> فرهنگ سیاسی مشارکتی	-۰.۳۹۲	۰.۰۵۳	۷.۳۶۴	۰.۰۰۰	پذیرش
متغیر آگاهی فرهنگی و اجتماعی تأثیر معنی‌دار و مثبتی روی متغیر فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد.	آگاهی فرهنگی و اجتماعی -> فرهنگ سیاسی مشارکتی	۰.۳۲۷	۰.۰۴۱	۶.۸۹۸	۰.۰۰۶	پذیرش

جدول فوق نتایج اثبات و رد فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌دانیم برای اثبات یک فرضیه کافی است که مقدار t -value یا آماره تی بالای ۱.۹۶ باشد. آنگاه در سطح خطای ۵ درصد و یا سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توانیم ادعا کنیم که آن فرضیه اثبات شده است. از سوی دیگر، از طریق آماره p -value نیز می‌توان فرضیه‌ای را اثبات کرد به این صورت که اگر این مقدار کمتر از ۰.۰۵ باشد آنگاه فرضیه موردنظر تائید و اثبات و اگر بالای مقدار ۰.۰۵ باشد آن فرضیه رد می‌شود. به استناد یافته‌های جدول فوق، همه فرضیه‌های فرعی پژوهش به جز فرضیه پنجم تأثیر متغیر فرهنگ سیاسی تبعی روی متغیر توسعه سیاسی کمتر از ۱.۹۶ و همچنین دارای مقدار p -value بالای ۰.۷۳۰ بوده یعنی به ترتیب مقدار ۰.۳۴۵ و ۰.۷۳۰ را به خود اختصاص داده است که این فرضیه رد می‌شود. دیگر فرضیه‌های اصلی و فرعی با اطمینان ۹۵ درصد تائید و پذیرش می‌شوند.

این پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری به بررسی تاثیر فرهنگ سیاسی مشارکتی بر تحقق توسعه سیاسی از نظر دانشجویان دانشگاه شیراز پرداخته و در بخش نظری از ترکیب نظریات آلموند، وربا، اینگلهارت، هانتینگتون و جگورایب برای چارچوب نظری استفاده شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد هرچه قدر فرهنگ سیاسی دانشجویان متمایل به فرهنگ سیاسی محدود و تبعی باشد به همان میزان راه برای تحقق توسعه سیاسی ناهموار تر می شود و بالعکس هرچه فرهنگ سیاسی دانشجویان متمایل به فرهنگ مشارکتی باشد امکان تحقق توسعه سیاسی در سطح وسیع وجود دارد. در ادامه این پژوهش در صدد پاسخ گویی به سئوالات مطروحه در مقدمه برآمده است که به شرح زیر خواهد آمد: «آیا موانع عمده توسعه سیاسی در ایران را باید در فرهنگ سیاسی محدود - تبعی و شاخص های آن جستجو نمود؟» باید اذعان داشت که یکی از عمده ترین موانع در توسعه سیاسی ایران ساختار حاکم بر جامعه؛ یعنی جامعه پاتریمونیال (پدرسالار) ایران که به صورت اتوماتیک فرهنگ محدود و تبعی را به جامعه تحمیل می کند. این نوع فرهنگ منجر به تمرکز منابع قدرت، اقتدارگرایی، چندپارگی سیاسی و اجتماعی و روش حذف و تخریب در حل اختلاف هاست. و در پاسخ به این سؤال که «آیا فرهنگ سیاسی ایرانی مبتنی بر بی اعتمادی اجتماعی، فردگرایی منفی، ضعف فرهنگ گفتگو است؟» می توان اذعان کرد که در فرهنگ سیاسی ایرانیان نگاه قومی، قبیله ای، خود مداری، فردگرایی منفی، ضعف فرهنگ گفتگو، بی اعتمادی اجتماعی موج می زند و سبب از بین رفتن منابع و امکانات لازم و از دست رفتن شرایط توسعه پایدار به ویژه در یعد توسعه سیاسی می شود. در تبیین، تحلیل و تشریح فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران باید به منابع سازنده آن فرهنگ که سرشار از فرآیندهای رقابتی و خصولتی غیر مسالمت آمیز داشته و مانع عمده ای در راه وفاق اجتماعی بوده، اشاره کرد. با توجه به رهیافت های به دست آمده از نگاه پژوهشگران داخلی و خارجی به نظر می رسد که در ایران فرهنگ و نگرش سیاسی به دلایل متعدد تاریخی، اجتماعی و روانشناختی دارای ابهام در بیان، قاعده گریز و به نوعی ضد وفاق اجتماعی است که نگاه فردی بر نگاه به جمع و جامعه اولویت بیشتری دارد و همین باعث تقابل آشکار میان دولت و ملت شده است و در آن مناسبات قدرت به عنوان رابطه یک سویه میان راس و قاعده هرم قدرت برقرار است که فاصله غیر قابل اغماضی بر روند و رشد فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد و با تبع مانع عمده توسعه سیاسی محسوب می شود.

آیا فرهنگ سیاسی مشارکتی می تواند باعث توسعه سیاسی شود؟ در پاسخ به این سؤال باید اذعان داشت که در روند توسعه خواهی سیاسی ایرانیان همواره موج های ناقص (کوتاه مدت و بلند مدتی) شکل گرفته که گاهی این موج ها همانند فرهنگ سیاسی سرشار از تناقض و پارادوکس های آشکار می باشد از جمله از یک طرف جامعه ایرانیان به عنوان جامعه ای کوتاه مدت شناخته شده است، جامعه کوتاه مدت در فرهنگ سیاسی یعنی خود مدار، فردگرا، از هم گسیخته و بی اعتماد ولی از طرف دیگر همین جامعه در روند مشروطه خواهی، سکولاریسم، سوسیالیسم، مردم سالاری دینی و ... ید طولایی داشته و در برهه های خاصی از زمان به موفقیت های چشمگیری

دست یافته است، این موفقیت‌ها به ویژه در دوران مشروطیت، پیروزی انقلاب اسلامی و روند اصلاح‌طلبی در دهه ۷۰ به وضوح به چشم می‌خورد. گرچه این موج‌های ناقص تاکنون نتوانسته گام مهم و تاثیر گذاری در راه توسعه سیاسی بردارد. ولی ورای همه این رویکردها و نیز رویکردهای فرهنگی و جامع‌نگر مبتنی بر جامعه‌نگری در حال بازسازی و بهسازی خود است که بتواند جای پای خود پیدا کند و منجر به ایجاد جامعه‌ای فعال در فرهنگ سیاسی مشارکتی، دیگر خواه، تکثرگرا، قدرتمند در تحمل آراء و اندیشه‌های دیگران، آزادی خواه که همه این عوامل در صورت تحقق منجر به جامعه‌ای با غنای بالای توسعه یافتگی به ویژه در حوزه سیاسی می‌شود، به نظر می‌رسد با تقویت و افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه، تقویت فرهنگ گفتگو، ایجاد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی، یکپارچگی سیاسی، جلوگیری از تمرکز منابع قدرت که همه این شاخص‌ها از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی است می‌تواند در روند توسعه سیاسی تاثیر مثبتی داشته باشد.

می‌توان گفت نتایج این پژوهش با نتایج سایر پژوهشگران «جهانگیری، ابوترابی زارچی، سردار نیا و یوسفی» که در خصوص دانشجویان دانشگاه شیراز، پژوهش انجام داده‌اند در بیشتر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی یکسان بوده است ولی در خصوص موضوع تغییرات در فرهنگ سیاسی ایرانیان و تاثیر آن در تحقق توسعه سیاسی به نتایج متفاوتی دست یافته است. که به شرح زیر خواهد آمد.

۱) بر همگان مبرهن است که فرهنگ سیاسی ایران حداقل طی یکصد سال اخیر تغییرات قابل توجه و ملموسی در تمامی ابعاد و حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... داشته است (۲). نشانه‌های مثبتی از آن در رفتار، خلق و خو، آداب، عادات و به طور کلی فرهنگ سیاسی اقشار مختلف مردم به چشم می‌خورد. (۳) بررسی حوادث تاریخ یکصد ساله ایران نشان می‌دهد مردم ایران در برهه‌های زمانی گوناگون مانند انقلاب مشروطیت، نهضت تنباکو، ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی و برگزاری انتخابات‌های پرشور و مردمی نشان از تغییرات مثبت و سازنده در بعد فرهنگ سیاسی این مردم داشته و (۴) همه این اتفاقات با حضور و مشارکت مردم و نخبگان در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رقم خورده است. (۵) بنابراین وجود این گونه حوادث این موضوع را به ذهن القاء می‌کند که بایستی در شیوه بررسی و نحوه نگرش نسبت به فرهنگ سیاسی ایرانیان باید تجدید نظر نمود. (۶) تفاوت حاصل شده از این جهت است که فرهنگ سیاسی مشارکتی که در سایر پژوهش‌ها بسیار محدود به نظر می‌رسید در این پژوهش دانشجویان به نحو چشمگیری نگاه مثبتی نسبت به فرهنگ سیاسی مشارکتی داشته‌اند. (۷) در مجموع می‌توان گفت متغیرهای اعتماد اجتماعی، فرهنگ هم‌پذیری، فرصت‌های برابر سیاسی و اجتماعی و فرهنگ گفتگو جزء مؤلفه‌هایی است که در زمان تدوین پرسشنامه از نگاه دانشجویان نقش بسیار پررنگی در تحقق توسعه سیاسی دارند.

-منابع و ماخذ

آذر، عادل، غلامزاده، رسول (۱۳۹۵)، مدل سازی معادلات ساختاری، کمترین مربعات جزئی، چاپ اول، انتشارات نگاه دانش

ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۸۹)، بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی مرتبط با فرهنگ سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه شیراز)، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز

اعتباریان خوارسگانی، اکبر، قلی پور مقدم، فرید، (۱۳۹۶)، « مرور تطبیقی نظریه های توسعه سیاسی »، رویکرهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری: شماره ۳، صفحه: ۳

اینگلهارت، رونالد، ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر

بدیع، برتران (۱۳۹۳)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران نشر قومس

بشیریه، حسین (۱۳۹۵)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: گام نو. چاپ دهم

جهانگیری، جهانگیر، ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر میزان استفاده از رسانه های جمعی بر مؤلفه های فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه شیراز، پژوهش نامه علوم سیاسی، سال هفتم: شماره چهارم

حیدر پور کلید سر، محمد، وثوقی، منصور، ساروخانی، باقر، ازکیا، مصطفی (۱۳۹۶)، واکاوی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران (عصر پهلوی دوم)، مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره هجدهم: شماره چهارم

زونیس، ماروین (۱۹۷۱) روانشناسی نخبگان سیاسی ایران، مترجمان: زهرا لبادی، پرویز صالحی، سلیمان امین زاده، تهران: نشر چاپخش

سردارنیا، خلیل اله، یوسفی، بهمن (۱۳۹۵)، سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه شیراز)، دو فصل نامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال دوازدهم: شماره اول

سریع القلم، محمود (۱۳۹۵)، عقلانیت و توسعه یافتگی ایران، تهران: نشر فرزاد روز

سیونگ یو، دال (۱۳۸۲)، فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، مطالعه تطبیقی ایران و کره، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم: شماره چهارم

شیرزادی، رضا (۱۳۹۱)، جهانی شدن و برنامه ریزی توسعه در ایران، مجله مطالعات سیاسی، تابستان ۹۰: شماره ۱۲، صفحه ۱۲۵

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴)، ما ایرانیان: زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیات ایرانی، تهران: نشر نی.

گل محمدی، احمد، (۱۳۸۶)، «درآمدی بر تبیین فرهنگی سیاست (نگاهی به رهیافت فرهنگ سیاسی در علم سیاست)»، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی: شماره ۶. صفحه: ۲۱۵

گل محمدی، احمد، صابری، امیر (۱۳۸۹)، «احیای فرهنگ سیاسی پژوهی و جایگاه آن در ایران» مجله علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی: شماره ۵۱، صفحه: ۸۲

هانینگتون، ساموئل (۱۹۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم

هانینگتون، ساموئل (۱۹۸۰) موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، مترجم: احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه

Almond G., Verba S (1983) Civic Culture, Princton University Press, repris dans civic Culture Revisited., Little Brown, 1980. Cf Badie (B), Culture et politique, Paris, Economica.

Pye, Lucian and Sidney Verba, 1965, Political Culture and Political Development , Princeton, nj:Prineceton University Press

Hair Jr, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C., & Sartetd, M. (2013). A Primer on Partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM). SAGE Publications, Incorporated